

بررسی روندهای تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی - اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

فرشته میرحسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

چکیده

در سال‌های اخیر روابط رو به رشد چین و رژیم صهیونیستی در زمینه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، فناوری و تبادل گردشگر نشان دهنده یک روند جدید ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا است. از دلایل اهمیت این موضوع این است که با توجه به خصومت ماهوی ایران و رژیم صهیونیستی و جایگاه و اهمیت چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تداوم و گسترش این رابطه می‌تواند جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا را با تهدید مواجه سازد. هدف اصلی این مقاله بررسی روندهای تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی - اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی است. نتایج حاصل از پژوهش مؤید آن است که سه پیشران «آینده رابطه آمریکا و چین»، «آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا» و «آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی»، را می‌توان در راستای توصیف آینده رابطه رژیم صهیونیستی و چین مبنای تجزیه و تحلیل قرار داد. محتمل است که با تغییر هر یک از این پیشران‌ها روابط چین و رژیم صهیونیستی به‌طور چشمگیری تغییر می‌یابد. بر این اساس کلان روندهایی چون افزایش روابط چین و آمریکا، کاهش روابط چین با جمهوری اسلامی ایران و فلسطین اشغالی، و افزایش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی زمینه‌ساز افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی هستند. در این پژوهش از روش تحلیل روند به عنوان یکی از روش‌های اصلی آینده‌پژوهی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، چین، روندپژوهی، رژیم صهیونیستی.

مقدمه

در سال‌های اخیر روابط رو به رشد رژیم صهیونیستی با چین در زمینه‌های اقتصادی، فناوری، انرژی و نظامی روندی صعودی داشته است که این امر نشان‌دهنده یک روند جدید ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا است. توجه چین به رژیم صهیونیستی بخشی از دیپلماسی جدید این کشور برای بهبود وجهه بین‌المللی یا «قدرت نرم» خود در جهان و مشارکت بیشتر در امور غرب آسیا است. در سمت مقابل نیز صعود چین به جایگاه قدرت جهانی، باعث شد تا تل‌آویو روابط خود را با پکن تقویت کند. رژیم صهیونیستی امیدوار است تا از طریق توسعه پیوندهای نظامی، اقتصادی و تجاری با چین، به مزایای ژئوپلیتیک وسیع‌تری دست یابد و وجهه خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بهبود بخشد. همچنین رژیم صهیونیستی با ارتقای روابط با چین درصدد است تا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران موازنه سیاسی را به نفع خود تغییر دهد.

با توجه به اهمیت چین به عنوان قدرت بزرگ در مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، و از طرفی دشمنی راهبردی و ماهوی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی ضروری است تا سیاستمداران و سیاستگذاران درک مناسبی از آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی داشته باشند. در واقع بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی آنها برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهدیدآفرین باشد. تقویت مناسبات و نزدیکی چین به رژیم صهیونیستی، تصمیم‌گیری‌های راهبردی چین در منطقه غرب آسیا را با تغییری جدی مواجه خواهد ساخت. عدم نقش‌آفرینی جدی جمهوری اسلامی ایران در حوزه رابطه با چین تقویت رابطه چین با رژیم صهیونیستی را به همراه خواهد داشت. این امر اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش را نشان می‌دهد.

پرسش کلیدی پژوهش این است که مهم‌ترین روندهای تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی - اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی کدامند؟ عوامل متعددی بر آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی تأثیرگذار است. پژوهش حاضر با نگاهی آینده‌پژوهانه به نگرارش درآمده است و روش تحلیل روند را به عنوان یکی از روش‌های اصلی آینده‌پژوهی انتخاب کرده

است. در ابتدای پژوهش روابط چین و رژیم صهیونیستی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی توضیح داده شد تا بر این اساس مهم‌ترین روندها در این ارتباط احصا گردد. بر این اساس، طی سال‌های اخیر روابط چین و رژیم صهیونیستی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی، فناوری، کشاورزی و گردشگری روندی افزایشی را شاهد بوده است. در ادامه مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی - اقتصادی رژیم صهیونیستی و چین استخراج شد. آینده رابطه ایالات متحده آمریکا و چین، آینده رابطه چین با کشورهای غرب آسیا و آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی به عنوان مهم‌ترین پیشران‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بر اساس عدم قطعیت حاصل از هر یک از پیشران‌ها چشم‌اندازی از آینده روابط سیاسی و اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی ارائه شد.

مبانی مفهومی

اندیشیدن درباره آینده امری ضروری و انکارناپذیر است. تلاش انسان به منظور رویارویی علمی و آگاهانه با تغییرات و تحولات آینده منجر به ایجاد علمی نوین به نام آینده‌پژوهی شده است. درباره مفهوم آینده‌پژوهی تعاریف زیادی صورت گرفته است. سهیل عنایت‌الله آینده‌پژوهی را «علم مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و بن‌مایه‌ها و اسطوره‌های هر کدام تعریف می‌کند (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷: ۱۱۰)». روندپژوهی یکی از روش‌هایی است که در مطالعات آینده بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان از این تکنیک برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تجزیه و تحلیل امکان‌سنجی سیاسی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده کرد. روندها بر اساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است شکل می‌گیرند. روند از گذشته آغاز و تا آینده ادامه می‌یابد. همه روندهای مورد مطالعه در حوزه آینده‌پژوهی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. به‌طور معمول از برخی روندها با عنوان روندهای کلیدی نام برده می‌شود که اهمیت و تأثیر بیشتری دارند (همان، ۱۳۹۷: ۱۰۵). روندها سرنخ‌های کلیدی هستند که با شناسایی آن‌ها می‌توان هم تغییرات محیط و هم تصویری از آینده‌های پیش رو را مشاهده

کرد. «کورنیش» روش تحلیل روند را این‌گونه توصیف می‌کند: «بررسی یک روند برای کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن». هدف اصلی «روندپژوهی»، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است (نظری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷). روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده در دیدبانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به انبوه داده‌ها، نظم و معنا می‌دهد. روند باید به‌طور جامع دربرگیرنده مسائل باشد، چرخه عمر طولانی از گذشته، حال و آینده را در برگیرد و قدرتی داشته باشد که بتواند آینده را تغییر دهد نه اینکه تأثیرپذیر باشد (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۷). روندپژوهی در اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی جهان به جریانی فراگیر برای فهم جهان اکنون و آینده تبدیل شده است؛ به این دلیل که مخاطب اصلی روندپژوهی سیاستگذاران و تصمیم‌سازان در نهادهای حاکمیتی هستند. در این پژوهش از روش تحلیل روند به عنوان یکی از روش‌های اصلی آینده‌پژوهی استفاده شده است. بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته طی سال‌های اخیر روابط چین و رژیم صهیونیستی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی، فناوری، کشاورزی و گردشگری روندی افزایشی داشته است.

در پژوهش بر اساس روندهای استخراج شده، مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی-اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی احصا شد. در متون آینده‌پژوهی «پیشران» به نیروهای اصلی شکل‌دهنده آینده جهان اشاره دارد؛ عوامل اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه هستند. در این پژوهش پیشران‌ها از دو جهت برای ما اهمیت دارد؛ از یک سو در مقام توصیف، آینده را بر مبنای آن‌ها توصیف می‌کنیم و از سوی دیگر تجویزهایی که برای تغییر آینده ارائه می‌شوند نیز متکی به همین نیروهای پیشران است. آینده رابطه ایالات متحده آمریکا و چین، آینده رابطه چین با کشورهای غرب آسیا و آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی به عنوان مهم‌ترین پیشران‌ها در آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی تعیین شد.

پس از تعیین سه پیشران در گام بعدی عدم قطعیت‌ها تعیین شده است. هر جا که آینده غیرقابل پیش‌بینی باشد با «عدم قطعیت» همراه است. در پیشران آینده رابطه ایالات

متحدہ آمریکا و چین، افزایش تنش در رابطه چین و آمریکا - کاهش تنش در رابطه چین و آمریکا مطرح است. در پیشران آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا دو عدم قطعیت افزایش روابط چین با ایران و فلسطین - کاهش روابط چین با ایران و فلسطین مطرح است؛ در پیشران آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی، دو عدم قطعیت افزایش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی - کاهش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی مطرح است.

۱. مبانی نظری: روند پژوهی

نیاز به روشی علمی جهت رویارویی با تغییرات و تحولات آینده منجر به ایجاد علمی نوین به نام آینده پژوهی شده است. درباره مفهوم آینده پژوهی تعاریف زیادی صورت گرفته است. سهیل عنایت‌الله آینده پژوهی را «علم مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و بن‌مایه‌ها و اسطوره‌های هر کدام تعریف می‌کند (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷: ۱۱۰)». روند پژوهی یکی از روش‌هایی است که در مطالعات آینده بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان از این تکنیک برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تجزیه و تحلیل امکان - سنجی سیاسی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده کرد. روندها بر اساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است شکل می‌گیرند. روند از گذشته آغاز و تا آینده ادامه می‌یابد. همه روندهای مورد مطالعه در حوزه آینده پژوهی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. به‌طور معمول از برخی روندها با عنوان روندهای کلیدی نام برده می‌شود که اهمیت و تأثیر بیشتری دارند (همان، ۱۳۹۷: ۱۰۵). روندها سرنخ‌های کلیدی هستند که با شناسایی آنها می‌توان هم تغییرات محیط و هم تصویری از آینده‌های پیش رو را مشاهده کرد. «کورنیش» روش تحلیل روند را این‌گونه توصیف می‌کند: «بررسی یک روند برای کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن». هدف اصلی «روند پژوهی»، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است. روند پژوهی، داده‌های خام و پردازش شده در دیدبانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به انبوه داده‌ها،

نظم و معنا می‌دهد (افق آینده‌پژوهی راهبردی). روند باید به‌طور جامع دربرگیرنده مسائل باشد، چرخه عمر طولانی از گذشته، حال و آینده را در برگیرد و قدرتی داشته باشد که بتواند آینده را تغییر دهد نه اینکه تأثیرپذیر باشد. روندپژوهی در اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی جهان به جریانی فراگیر برای فهم جهان اکنون و آینده تبدیل شده است؛ به این دلیل که مخاطب اصلی روندپژوهی سیاستگذاران و تصمیم‌سازان در نهادهای حاکمیتی هستند. در این پژوهش از روش تحلیل روند به عنوان یکی از روش‌های اصلی آینده-پژوهی استفاده شده است.

روش تحقیق

این تحقیق بنیادی و نوع تحقیق نیز کیفی است. داده‌های پژوهش به روش اسنادی گردآوری شده است. داده‌ها با مراجعه به کتب، مقالات، پایگاه‌های اینترنتی فارسی و انگلیسی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری جمع‌آوری شده است. در این پژوهش از روش تحلیل روند به عنوان یکی از روش‌های اصلی آینده‌پژوهی استفاده شده است. به این منظور در ابتدا به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل روندهای تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی-اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی پرداخته شده است. در گام بعد سه پیشران تأثیرگذار بر این موضوع شناسایی و عدم قطعیت‌های مرتبط با هر پیشران مشخص شده است و در نهایت بر اساس عدم قطعیت‌ها چشم‌اندازی از آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی طرح شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. بررسی مهم‌ترین روندهای تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی-اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

۱-۱. افزایش روابط سیاسی و دیپلماتیک میان چین و رژیم صهیونیستی

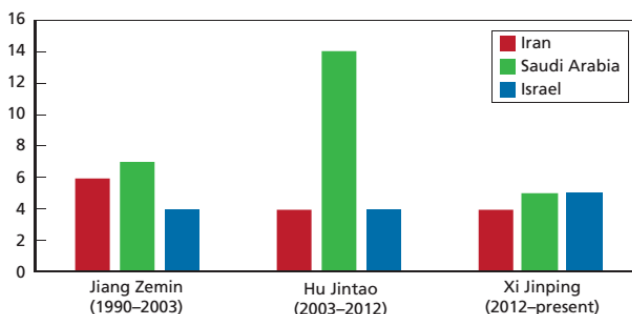
جمهوری خلق چین در مارس ۱۹۴۹ رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و در ماه

مه ۱۹۴۹ به درخواست رژیم صهیونیستی برای عضویت در سازمان ملل رأی مثبت داد. در مقابل رژیم صهیونیستی اولین نظام سیاسی در غرب آسیا بود که در ۹ ژانویه ۱۹۵۰ جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت (Zhu, 2019: 38). در دهه ۱۹۵۰ «شائول آیزنبرگ» چهره اصلی در پی ریزی روابط سیاسی و اقتصادی پکن و رژیم صهیونیستی بود. آیزنبرگ که پس از جنگ جهانی دوم به فلسطین اشغالی مهاجرت کرد، با تملک مهم‌ترین شرکت‌های تجاری فعال در حوزه تولید مواد شیمیایی و صنایع کشتیرانی رژیم صهیونیستی موفق شد تا زمینه شکل‌گیری مناسبات طرفین را رقم زند. با این حال مشارکت چین در جنگ کره (۱۹۵۰)، حذف رژیم صهیونیستی از کنفرانس باندونگ (۱۹۵۵)، ارتباط چین با مبارزان فلسطینی، بحران سوئز و فشار ایالات متحده مانع از تحقق روابط دیپلماتیک شد (Shira and others, 2019: 12).

افتتاح کنسولگری رژیم صهیونیستی در هنگ‌کنگ در اوت ۱۹۸۵ گامی مهم در روابط دو جانبه بود. رژیم صهیونیستی «رئوون مرخاو» عامل ارشد سابق موساد را به هنگ‌کنگ فرستاد. مهارت‌های دیپلماتیک مرخاو برای رهبران چین جذاب بود و مسیر را برای برقراری روابط دیپلماتیک کامل آماده می‌کرد. در سال‌های بعد برقراری روابط دیپلماتیک با تغییرات ژئواستراتژیکی چون فروپاشی شوروی و کنفرانس صلح مادرید (۱۹۹۱) تسهیل شد. تعاملات دیپلماتیک بین مقامات رژیم صهیونیستی و چین در پاریس و سازمان ملل، زمینه را برای برقراری روابط کامل دیپلماتیک در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ فراهم کرد (Samuel and Rajiv, 2017: 413). چین پس از اعتراضات میدان تیان آن‌من (آوریل - ژوئن ۱۹۸۹) می‌کوشید تصویر خود را در ایالات متحده بهبود بخشد و ارتباط با رژیم صهیونیستی و یهودیان آمریکا را برای کاهش انتقاد از خود در کنگره آمریکا و افکار عمومی آن مفید تلقی می‌کرد (Wang Yu, 2020: 2).

اگرچه در اوایل دهه ۲۰۰۰، تحت فشار ایالات متحده، رژیم صهیونیستی روابط نزدیک با پکن را قطع کرد، درک متقابل از منافع اقتصادی و فناوری منجر به غلبه بر بحران بین دو کشور شد. در سال ۲۰۱۲، با ظهور نشانه‌های بحران در روابط رژیم صهیونیستی با آمریکا،

رژیم صهیونیستی به قدرت‌های اقتصادی آسیا توجه کرد. سفر نتانیاهو به پکن در سال ۲۰۱۳ نشانه شروع مجدد همکاری‌های دوجانبه بود (Vuksanovic, 2020: 5). با این حال، پس از چند سال روابط دوجانبه رو به رشد، با شروع جنگ تجاری ایالات متحده و چین، ترامپ فشار خود را بر رژیم صهیونیستی برای کاهش همکاری با چین افزایش داد. دیدارهای سیاسی از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در سطحی مطلوب بوده است و البته بازدیدهای طرف رژیم صهیونیستی بیشتر بوده است (Chen, 2012: 6). بنیامین نتانیاهو سه بار (می ۱۹۹۸، می ۲۰۱۳ و مارس ۲۰۱۷) در مقام نخست وزیر از چین بازدید کرد، و پیش از او نیز ایهود اولمرت نخست وزیر اسبق این رژیم در ژانویه ۲۰۰۷ از چین بازدید کرد. در میان رؤسای جمهور خبییم هرتزوغ (دسامبر ۱۹۹۲)، موشه کاتواو (دسامبر ۲۰۰۳) و شیمون پرز (ژوئیه ۲۰۰۸ و آوریل ۲۰۱۴) از چین بازدید کردند. در سمت مقابل دیدارهای مقامات ارشد چینی از رژیم صهیونیستی بسیار محدودتر بوده است. دیدار جیانگ زمین در آوریل ۲۰۰۰ مهمترین دیدار در راستای انعقاد قرارداد فروش فاکون از سوی رژیم صهیونیستی به چین بود (Zhu, 2019: 40). گرچه روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و چین از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸ نسبتاً ثابت مانده است، اما روابط چین با ایران و عربستان تقویت شده است. در طول دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸، رهبران ارشد چین ۱۳ بازدید از رژیم صهیونیستی، ۲۶ بازدید از عربستان و ۱۴ بازدید از ایران داشتند (Shira and others, 2019: 48).



نمودار ۱. بازدیدهای مقامات ارشد چین از ایران، عربستان و رژیم صهیونیستی، ۲۰۱۸-۱۹۹۲ میلادی.

(Shira and others, 2019: 48)

۱-۲. گسترش جغرافیایی دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی از غرب آسیا به شرق دور و گسترش مناسبات با چین

از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی خطر انزوا تهدید جدی برای دولتمردان آن بوده است. با توجه به این تهدید دیوید بن گوریون دکترین اتحاد پیرامونی را در جهت خروج از انزوا مطرح کرد. امروز پس از حدود شش دهه این دکترین با تغییرات منابع تهدید پیگیری می‌شود. مطابق این راهبرد رژیم صهیونیستی توسط کشورهای عربی متخاصم، محاصره شده است و نیاز به اتحاد با کشورهای غیر عرب پیرامون مانند ترکیه و ایران داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ماهیت روابط ایران و رژیم صهیونیستی و حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و تأکید آن بر ضرورت مبارزه با رژیم صهیونیستی دکترین پیرامونی بر مبنای دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران به جای اعراب تعریف شد (فادری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳).

این در حالی است که در سال ۲۰۱۱ نگرانی رژیم صهیونیستی از ایران و محور مقاومت (دولت بشار اسد در سوریه و حزب الله لبنان) افزایش یافت. واقعیت راهبردی جدید این بود که روابط با اردوغان رو به وخامت رفت؛ و در بسیاری از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا پس از بیداری اسلامی تمایلات ضد صهیونیستی افزایش یافت. این روندها رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا مجدد در دکترین پیرامونی خود تغییراتی ایجاد کند. بنابراین، در چنین شرایطی شراکت با قدرت‌های جهانی در حال رشد مانند چین، انتخابی منطقی برای رژیم صهیونیستی بود (Vuksanovic, 2020: 6). در نتیجه دکترین پیرامونی محدوده‌های دفاعی را برای رژیم صهیونیستی به منطقه شرق دور گسترش داد.

همچنین مسائلی که در رابطه رژیم صهیونیستی با ایالات متحده در دوره اوباما ایجاد شد، نقش مهمی در تصمیم این کشور برای نزدیک شدن به چین داشت؛ به ویژه در زمانی که ایالات متحده تلاش کرد تمرکز خود را به سمت آسیا-اقیانوسیه تغییر دهد تا با چالش ظهور چین مقابله کند (Gering, 2021). این سیاست حاکی از آن بود که ایالات متحده توجه کمتری به سایر مناطق از جمله غرب آسیا خواهد داشت، بنابراین توانایی رژیم صهیونیستی برای تکیه بر اتحاد با ایالات متحده به عنوان ستون سیاست خارجی و امنیتی رژیم

صهیونیستی را محدود خواهد ساخت. رژیم صهیونیستی همچنین از توافق هسته‌ای اوپاما با ایران، ناراضی بود. در نهایت، رژیم صهیونیستی نگران انتصاب جان کری به عنوان وزیر امور خارجه ایالات متحده در دوره دوم ریاست جمهوری اوپاما بود (Vuksanovic, 2020: 5). کری تصمیم داشت تا مذاکرات صلح را از سر گیرد؛ هرچند این اقدام به شکست انجامید. بنابراین توجه آمریکا به منطقه آسیا-اقیانوسیه زمینه برای گسترش روابط چین و رژیم صهیونیستی را فراهم کرد.

۳-۱. افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

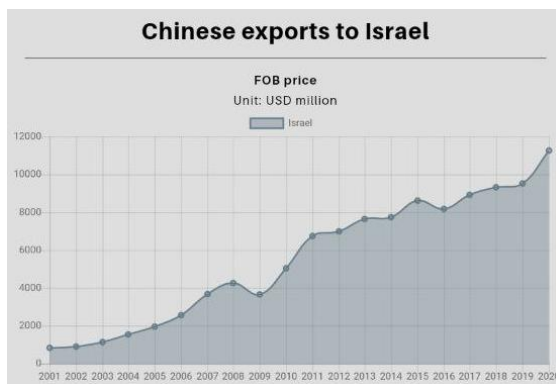
تجارت بین چین و رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و دو طرف در سال ۱۹۹۰ دفاتر نمایندگی خود را در پایتخت‌های یکدیگر تأسیس کردند. در سال‌های اخیر، میزان صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در رژیم صهیونیستی، روندی افزایشی داشته است. در پایان سال ۲۰۱۹ چین سومین مصرف کننده محصولات رژیم صهیونیستی و دومین تأمین کننده کالای رژیم صهیونیستی بوده است. با این حال رژیم صهیونیستی در میان ۱۵ شریک تجاری نخست چین جای ندارد (Vuksanovic, 2020: 8-9).

جدول ۱. مهم‌ترین شرکای تجاری رژیم صهیونیستی (Vuksanovic, 2020: 9)

Main Partner Countries

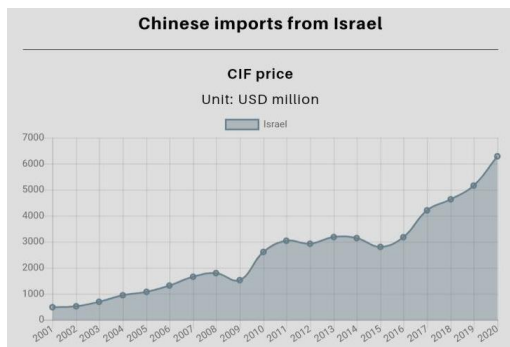
Main Customers (% of Exports)	2019	Main Suppliers (% of Imports)	2019
United States	27.3%	United States	16.7%
United Kingdom	8.5%	China	13.4%
China	7.6%	Germany	6.3%
Hong Kong	5.2%	Turkey	5.2%
Netherlands	3.7%	Italy	3.9%
See More Countries	47.7%	See More Countries	54.5%

در پایان سال ۲۰۲۰ رژیم صهیونیستی در مجموع بیش از ۱۱,۲۵۶ میلیارد دلار از چین محصولات وارد کرده است، رقمی که با جهشی ناگهانی از ۸۳۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به نزدیک ۸,۶۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسید.



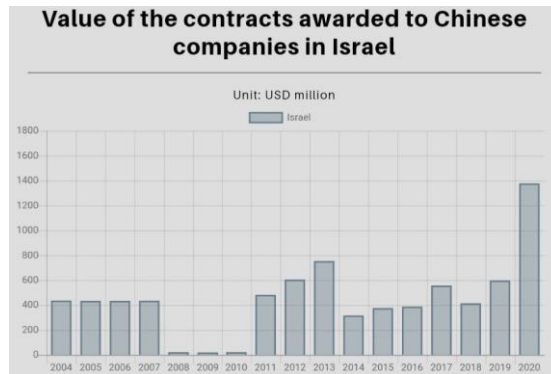
نمودار ۲. صادرات چین به رژیم صهیونیستی (Trading Economics, 2021)

همچنین میزان صادرات رژیم صهیونیستی به چین در سال‌های گذشته روندی فزاینده داشته است. میزان صادرات رژیم صهیونیستی به چین در سال ۲۰۲۰، ۶,۲۸۵ میلیارد دلار بوده است که بالاترین رقم در طول مناسبات اقتصادی طرفین بوده است.



نمودار ۳. واردات چین از رژیم صهیونیستی (Trading Economics, 2021)

ارزش قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های چینی در رژیم صهیونیستی از رقم ۴۳۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ میلادی به ۱,۳۷۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ میلادی رسیده است. در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ این رقم افزایشی نزدیک به ۲۰۰ درصد داشته است.



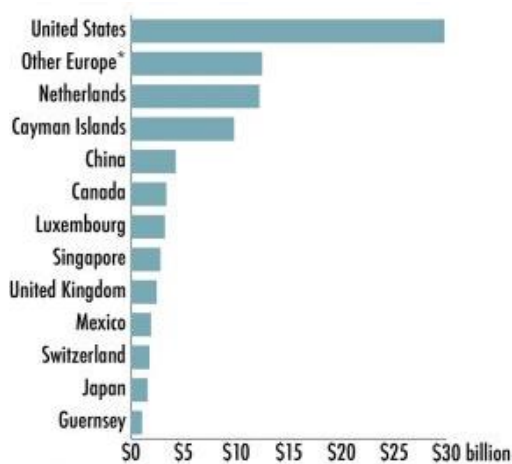
نمودار ۴. ارزش قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های چینی در رژیم صهیونیستی

(Trading Economics, 2021)

۱-۳-۱. افزایش سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی

چین به شکلی گسترده در رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌ویژه در صنعت اینترنت و زیرساخت‌های عمرانی داشته است. شرکت‌های چینی در پروژه‌های زیرساختی متعددی در سرزمین‌های اشغالی از جمله حفر تونل در کوه کرمل، ساخت بندر اشدود، حفر تونل برای مترو در تل‌آویو و توسعه خط متروی بیت‌المقدس مشارکت داشته‌اند. برآوردها در مورد میزان دقیق سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی متفاوت است. برخی منابع حجم سرمایه‌گذاری‌های مزبور را ۱۰ تا ۲۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در رژیم صهیونیستی دانسته‌اند. این رقم را در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۶ میلیارد دلار تخمین زده‌اند. این عدد نیز در سال‌های اخیر با روندی افزایشی روبرو بوده است (Interesse, 2022). در عین حال تمامی سرمایه‌گذاری‌های چین در سرزمین‌های اشغالی به نام این کشور نبوده و مقادیر زیادی با نام کشورهای کوچکی چون جزایر ویرجین یا جزایر

کایمن انجام می‌شود که دستیابی به میزان دقیق سرمایه‌گذاری را پیچیده می‌سازد. شکل زیر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم کشورها در رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد که چین رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۵. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سرزمین‌های اشغالی (۲۰۱۸)

(Shira and other, 2019, 38- 39)

در یک دهه اخیر رژیم صهیونیستی نیز در چین به سرمایه‌گذاری مستقیم گسترده دست یازیده است. این رقم در حال حاضر نزدیک به ۱ میلیارد دلار است؛ بیش از هزار شرکت خصوصی رژیم صهیونیستی در چین مستقر هستند.

۱-۳-۲. افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی در چارچوب طرح «یک کمر بند یک جاده»

چین

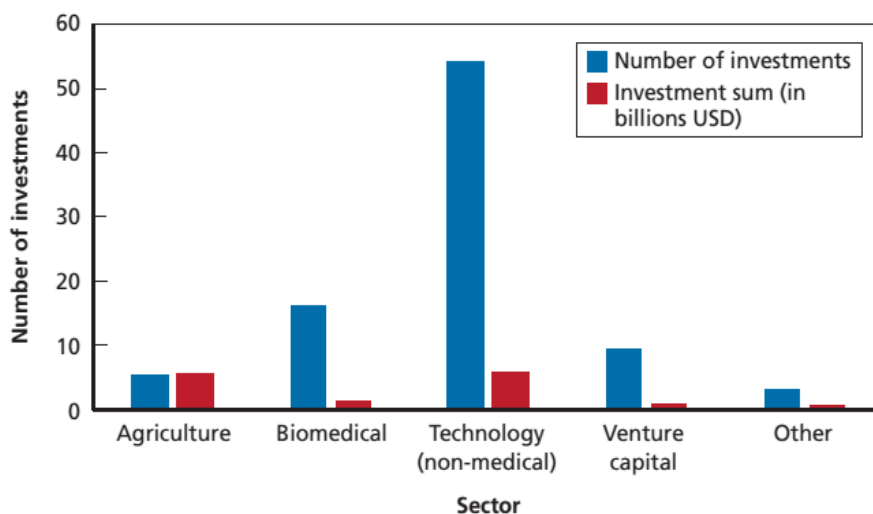
جایگاه جغرافیایی مهم رژیم صهیونیستی در نقطه اتصال اروپا و آسیا از جمله دلایل راهبردی تمایل چین به توسعه همکاری با تل‌آویو است. از همین رو در سال ۲۰۱۲ چین قرارداد ساخت خط آهن جدید بین دریای سرخ و مدیترانه را با رژیم صهیونیستی امضا

کرد که به عنوان مکمل کانال سوئز مطرح شده است. در سال ۲۰۱۹ نیز پکن با یک سرمایه‌گذاری عظیم دو میلیارد دلاری، بزرگترین بندر تجاری رژیم صهیونیستی را به کنترل خود درآورد (Yhu, 2020: 10). این طرح برای ساخت دو بندر (حیفا و شهر ساحلی اشدود در نزدیکی تل‌آویو) در مجاورت مناطقی که ناوگان ششم دریایی آمریکا در آنجا مستقر است، با اعتراض شدید از طرف آمریکا روبرو شد. ناوشکن «یواس.اس.راس»^۱ آمریکا در بندر اشدود قرار دارد جایی که برای آمریکا از نظر رصد اهداف امنیتی خود در غرب آسیا بسیار مهم است و حضور چین در آن منطقه را امنیتی تلقی می‌سازد.

به نظر می‌رسد طرح‌های بندر حیفا و اشدود بخشی از رویکرد کلان چین، همسو با ایده «یک کمربند، یک جاده» (راه ابریشم) است که از سواحل شرقی چین تا اروپا را از طریق چندین مسیر زمینی و دریایی پوشش می‌دهد (Harutyunyan, 2020: 4-6). پکن قرار است تا سال ۲۰۴۹ معادل ۸ هزار میلیارد دلار در کشورهای مختلف در مسیر «یک کمربند؛ یک جاده» سرمایه‌گذاری کند. طرح راه ابریشم که در سال ۲۰۱۳ از سوی شی‌جی‌پینگ رهبر چین، معرفی شد می‌تواند به عنوان یک جهش اقتصادی در راستای ارتباط زمینی و دریایی چین با غرب ارزیابی شود. این طرح دو گام را پیش روی خویش قرار داده است، گام نخست چین، آسیای میانه، روسیه و اروپا را به نام «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» به هم متصل خواهد کرد. گام دوم نیز با نام «جاده ابریشم دریایی» چین را به اقیانوس هند و سپس دریای مدیترانه پیوند خواهد داد؛ این نقطه‌ای است که همکاری‌های رژیم صهیونیستی و چین را ذیل بنادر حیفا و اشدود پررنگ می‌کند که در قبال منافع کلان برای پکن، منافع بی‌ظنیری را برای تل‌آویو در بر خواهد داشت. نگاه سران رژیم به این همکاری هم اقتصادی است هم امنیتی؛ چرا که توسعه بندر حیفا و خط راه آهن حیفا-خلیج فارس در رقابت با خط راه آهن ایران، عراق و سوریه برای اتصال چین به مدیترانه قرار می‌گیرد و بدین ترتیب رژیم صهیونیستی می‌تواند ارتباط تجاری ایران و چین و مزایای حاصل از آن را برای ایران کم اثر سازد (Shira and other, 2019: 38-39).

۴-۱. افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی در عرصه فناوری

شهرت رژیم صهیونیستی در زمینه استارت‌آپ فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری در حوزه این فناوری نوین پیش روی چین قرار داده است. بر اساس داده‌های «اینسایتس»^۱ شرکت‌های چینی در سال ۲۰۱۸ حدود ۴۰۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۹، ۲۴۳ میلیون دلار در استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری کردند. در سال ۲۰۱۸، ۱۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی، متعلق به چین بوده است. از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های فناوری پیشرفته رژیم صهیونیستی، ۲۰ درصد متعلق به چینی‌ها است (Harutyunyan, 2020: 11). نمودار زیر به وضوح بیانگر این حقیقت است که در حدها سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ بخش فناوری (غیرپزشکی) بیش از ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های چین در سرزمین‌های اشغالی را به خود اختصاص داده است (Shira and others, 2019: 84).



نمودار ۶. سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی براساس تفکیک بخش‌های مختلف (۲۰۰۷-۲۰۱۸)

(Shira and others, 2019: 84)

سرمایه‌گذاری‌های راهبردی چین از طریق شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت (علی-بابا، بایدو، هووای، لنوو) متوجه فناوری، شرکت‌های مالی و استارت‌آپ‌ها هستند.

گرچه بخشی از این رابطه برای مخفی کردن رابطه نظامی دو طرف صورت گرفته است، رژیم صهیونیستی تحت پوشش توافق تجاری بسیاری از تجهیزات با کاربری دو گانه را به چین می‌فروشد و همزمان توافقات فناورانه در حوزه نظامی با پکن را مخفی می‌کند (Yoram, 2017: 836-837). با این حال نایست رابطه فناورانه طرفین را محدود به مسائل نظامی دانست، چرا که چین، تل آویو را دروازه ورود خود به جهان فناوری می‌داند و از طریق رژیم صهیونیستی نیاز خود به فناوری‌های پیشرفته را تأمین می‌کند، بدین سبب تمرکز اصلی سرمایه‌گذاری خارجی خود در رژیم صهیونیستی را وقف در حوزه صنعت فناوری نموده است. برای رژیم صهیونیستی نیز اهمیت این رابطه درآمد هنگفت آن است (Council on Foreign Relations, 2018).

۱-۵. افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی در عرصه کشاورزی

کشاورزی بخش مهمی از سرمایه‌گذاری رژیم در چین را به خود اختصاص داده است. از نگاه تل آویو، چین با داشتن بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت در بخش کشاورزی، کشوری پر ظرفیت و نیازمند مدرنیزه کردن در این حوزه است. رژیم اشغالگر با تأسیس مزرعه‌های نمونه کشاورزی و سرمایه‌گذاری در زمینه افزونه ساختن تولید و کود شیمیایی توانسته فرصت‌های مهمی برای خود در جامعه کشاورزی و نیمه‌صنعتی چین از جمله منطقه «سین‌کیانگ» ایجاد کند. در چین، طرح‌های مشترکی مانند شهر کشاورزی چین و رژیم صهیونیستی در شهر «هبی»، شهر زیست‌محیطی کشاورزی چین و رژیم صهیونیستی در «شاندونگ»، پارک نمایشی فناوری کشاورزی چین و رژیم صهیونیستی در «هنان»، و پارک کشاورزی کوهستانی «یون نان» چین و رژیم صهیونیستی به شدت بر فناوری وارداتی رژیم

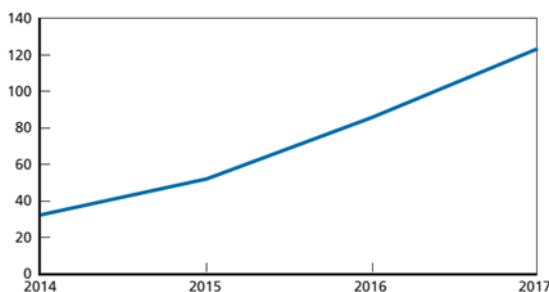
صهیونیستی تکیه می‌کنند. چین به خریدار عمده فناوری کشاورزی رژیم صهیونیستی از شرکت‌هایی مانند «نتافیم»، رهبر جهانی در سیستم‌های آبیاری قطره‌ای تبدیل شده است (Efron, 2019: 99).

۱-۶. افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی در عرصه گردشگری

در سال‌های اخیر، با کاهش محدودیت‌های ویزا، برقراری پرواز مستقیم تل‌آویو - پکن، و افتتاح دفتر گردشگری رژیم صهیونیستی در چین، پیشرفت قابل توجهی در زمینه گردشگری بین چین و رژیم صهیونیستی ایجاد شده است. در نتیجه یک تصمیم راهبردی در سال ۲۰۱۲ توسط وزارت گردشگری رژیم صهیونیستی، جریان گردشگران از چین به رژیم صهیونیستی سالانه ۱۵ تا ۳۰ درصد افزایش یافت تا گردشگران چینی به یکی از منابع اصلی درآمد برای بخش گردشگری رژیم صهیونیستی مبدل شوند (Samuel and Rajiv, 2017, 417). در سال ۲۰۱۶، وزارت امور خارجه به همراه وزارت کشور رژیم صهیونیستی، توافقنامه متقابلی را با چین برای ویزای چند بار ورود ده ساله برای گردشگران و بازرگانان آغاز کردند. رژیم صهیونیستی فقط با چین و چین فقط با ایالات متحده و کانادا توافقی مشابه دارند (Efron, 2019: 76-77).

در سال ۲۰۱۷، با سیاست جدید ویزا، چین به سریع‌ترین منبع رشد گردشگران رژیم صهیونیستی تبدیل شد. بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی، تعداد گردشگران از چین، ۳۲۴۰۰ نفر در سال ۲۰۱۴، ۴۷۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵، و ۷۹۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۶ بود. در پایان سال ۲۰۱۷، این تعداد به ۱۲۳۹۰۰ نفر رسید. در حقیقت تعداد گردشگران چینی که در سال ۲۰۱۷ به رژیم صهیونیستی سفر کردند تقریباً ۲۳ برابر تعداد مسافران از مبدأ چین در طول دوازده سال پیش از آن بود. اگرچه در سال ۲۰۱۸ تعداد گردشگران چینی به دلیل نگرانی‌های امنیتی ناشی از تصمیم ترامپ برای انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس کاهش یافت، تعداد گردشگران چینی در نیمه اول سال ۲۰۱۹ نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۸، ۶۷ درصد افزایش یافت (Samuel and Rajiv, 2017, 418).

در سال ۲۰۱۹ میزان گردشگران چینی که رژیم صهیونیستی را به عنوان مقصد خود انتخاب کرده اند بیش از ۱۵۶ هزار نفر بوده، که افزایشی نزدیک به ۳۷ درصد نسبت به سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد. گزارش‌ها حاکی از آن است که اگرچه در سال ۲۰۲۰ این روند به دلیل شیوع بیماری کووید-۱۹ تقلیل یافته، اما فعالان صنعت توریسم انتظار دارند که با عادی شدن اوضاع این روند افزایشی ادامه پیدا کند. در سوی مقابل نیز در سال ۲۰۱۹ رژیم صهیونیستی ۱۰۰ هزار گردشگر به چین فرستاد و به‌طور کلی آمار گردشگران رژیم صهیونیستی به چین نیز روندی افزایشی دارند (Wen, 2019).



نمودار ۷. گردشگران چینی در رژیم صهیونیستی، ۲۰۱۴-۲۰۱۷ (Wen, 2019)

۲- مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده روابط سیاسی - اقتصادی رژیم صهیونیستی و چین

۲-۱. آینده رابطه ایالات متحده آمریکا و چین

با توجه به اینکه ایالات متحده بیش از پیش درگیر رقابت ژئوپلیتیکی با چین برای برتری جهانی است مهم‌ترین پیشران در رابطه چین و رژیم صهیونیستی قلمداد می‌شود. ایالات متحده نگران سرمایه‌گذاری رو به رشد چین در زیرساخت‌های کلیدی رژیم صهیونیستی و گسترش نفوذ در غرب آسیا است. آمریکا همچنین نسبت به شکاف در اتحاد آمریکا و رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی می‌کند و از اینکه رژیم صهیونیستی ممکن است سیاست مستقلی در مقابل چین اتخاذ کند، نگران است.

در سال ۱۹۹۹، رژیم صهیونیستی با فروش فالكون (هوایمای شناسایی پیشرفته) به چین موافقت کرد اما پنتاگون به طور جدی مخالفت کرد. در نهایت، رژیم صهیونیستی مجبور شد از این معامله صرفنظر کند (Samuel and Rajiv, 2017: 418). در سال ۲۰۰۴، رژیم صهیونیستی موافقت کرد پهپادهای هارپی را به روز کند که وزیر دفاع ایالات متحده، پل ولفویترز، مخالفت‌های عمده‌ای را مطرح کرد مبنی بر اینکه این امر زمینه برتری فناوری چین از ارتش ایالات متحده را فراهم می‌کند. پس از ماجرای هارپی، اسحاق شیکور، متخصص روابط چین و رژیم صهیونیستی، استدلال کرد که در روابط مثالی چین-رژیم صهیونیستی - آمریکا، واشنگتن متغیر مستقل و چین و رژیم صهیونیستی متغیرهای وابسته-ای هستند که فضای کمی برای مانور دارند.

همچنین در سال ۲۰۱۵، گروه بین‌المللی بندر شانگهای با تعهدات ۲ میلیارد دلاری برای راه‌اندازی بندر حیفا برای ۲۵ سال آینده قراردادی منعقد کرد. از سال ۲۰۱۷، ساخت بندر به موضوعی در جنگ تجاری آمریکا و چین تبدیل شده است. مقامات آمریکایی به فشار بر هم‌تایان صهیونیستی خود در مورد نگرانی‌های جاسوسی مربوط به بندر ساخت چین در حیفا ادامه داده‌اند. مخالفت آمریکا با سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر تشدید شده است. جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ، و مایک پمپئو، وزیر امور خارجه، در سفر به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۹، در مورد خطرات امنیتی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های چینی در مکان‌های حساس هشدار دادند (Arie, 2021).

بنابراین، با توجه به اتکای امنیتی رژیم صهیونیستی به ایالات متحده ممکن است برای رژیم صهیونیستی توسعه یک سیاست کاملاً مستقل در برابر چین امکان‌پذیر نباشد. اگرچه نفتالی بنت از جمله چهره‌ها در بدنه نخبگان حاکم بر رژیم صهیونیستی است که همواره بر ضرورت تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی رژیم با کشورهای شرق آسیا به‌ویژه چین اصرار داشته است. بنت در زمان تصدی وزارت اقتصاد و بازرگانی در سال ۲۰۱۳ عبارت «پیش به سوی شرق»^۱ را ابداع کرد. علاوه‌بر نخست‌وزیر بنت، یوسی

کوهن، رئیس سابق موساد ضمن انتقاد از سیاست‌های آمریکا در قبال چین اظهار داشت: «من نمی‌فهمم آمریکایی‌ها از چین چه می‌خواهند ... چین علیه ما نیست و دشمن ما نیست» (Zhu, 2019, 48).

نشانه‌هایی وجود دارد که رژیم صهیونیستی از رویکرد چینی آمریکا پیروی نکرده است؛ مثلاً، رژیم صهیونیستی با سرپیچی از فشارهای ایالات متحده، به یکی از ۵۷ عضو مؤسس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی به رهبری چین تبدیل شد. همچنین به‌طور فعال با چین در طرح کمربند و جاده همکاری کرده است. نتانیاهو در زمان تصدی منصب نخست‌وزیری از سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی استقبال و تأکید کرد که رژیم صهیونیستی «یک شریک کوچک عالی» برای اقتصاد چین خواهد بود. به‌رغم هشدار مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، هنگام بازدید از رژیم صهیونیستی در مارس ۲۰۱۹ مبنی بر این که سرمایه‌گذاری چین در رژیم صهیونیستی می‌تواند مانع همکاری ایالات متحده و رژیم صهیونیستی شود، بیش از ۱۰۰ شرکت نوپای رژیم صهیونیستی در کنفرانس سالانه «گفر رژیم صهیونیستی»^۱ در جینان، استان شاندونگ شرکت کردند.

از طرفی، رژیم صهیونیستی در جنگ تجاری و فناورانه با چین به آمریکا نپیوست؛ برخلاف کنترل شدید ایالات متحده بر سرقت احتمالی فناوری‌های ایالات متحده توسط دانشمندان چینی، مبادلات آموزشی و علمی، از جمله آزمایشگاه‌های مشترک، به رشد خود ادامه می‌دهند. طبق داده‌های نهادهای رسمی رژیم صهیونیستی، سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش فناوری پیشرفته رژیم صهیونیستی از تقریباً صفر به حدود ۵۰ معامله سرمایه‌گذاری در سال افزایش یافته است. هوای و «زد.تی.ای» با وجود مخالفت آمریکا به فعالیت خود در رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهند (Zaken, 2021). در نتیجه می‌توان گفت رژیم صهیونیستی چین را نادیده نخواهد گرفت، زیرا از اهمیت روزافزون آن در امور بین‌الملل آگاه است.

۲-۲. آینده رابطه چین با کشورهای غرب آسیا

حفظ تعادل در روابط چین با کشورهای منطقه غرب آسیا، چالش بزرگی برای روابط

چین با رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کند. پکن خواهان حفظ روابط سودمند با رژیم صهیونیستی و تداوم همکاری با سایر کشورهای منطقه است. اگر دیپلماسی چین بخواهد در غرب آسیا فعال‌تر باشد، باید با رقابت فزاینده بین ایران و یا رژیم صهیونیستی و رقابتی که بین دیگر بازیگران در منطقه وجود دارد، مقابله کند. منافع چین در غرب آسیا نه تنها به واسطه نقش این منطقه به عنوان یک حلقه در طرح کمربند و جاده، بلکه ناشی از وابستگی چین به انرژی غرب آسیا است. علاوه بر این، چین می‌خواهد نفوذ خود را در غرب آسیا افزایش دهد و به عنوان یک قدرت بزرگ دیده شود.

انتقال تسلیحات پکن به کشورهای منطقه غرب آسیا از موضوعات نگران کننده در روابط رژیم صهیونیستی و چین است. رژیم صهیونیستی، زمانی که چین موشک‌های بالستیک میان‌برد «سی.اس.اس. ۲»^۱ را در اواخر دهه ۱۹۸۰ به عربستان سعودی فروخت، ابراز نگرانی نمود. علاوه بر عربستان، چین تأمین کننده مهم تسلیحات ایران به شمار می‌رفت (Samuel and Rajiv, 2017: 423-424).

در این میان، بدون تردید مناسبات رو به گسترش تهران و پکن در حوزه‌های مختلف همکاری به‌ویژه توافق ۲۵ ساله همکاری و پرونده هسته‌ای و کوشش‌های چین با هدف کاهش آثار تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، یکی از حوزه‌های تعارض منافع چین و رژیم صهیونیستی را شکل می‌دهد. چین در حالی به عنوان تنها دولت، به خریدهای نفتی خود از ایران در شرایط اعمال تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی ادامه می‌دهد، که در طرف دیگر، تل‌آویو از مهم‌ترین حامیان تحریم‌های مزبور بر تشدید فشارهای بین‌المللی بر اقتصاد ایران تأکید دارد. چین همواره بر همکاری‌های سیاسی با سایر طرف‌های برجام به منظور حفظ این توافق تأکید دارد که این موضع به‌طور آشکار در تعارض با تلاش‌های دولت‌های نتانیاهو و بنت به منظور فروپاشی این توافق است. همچنین در ژانویه ۲۰۱۹، چین به هدف قراردادن مواضع نظامی ایران در سوریه توسط رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد و با امضای توافق یک کمربند یک جاده با دولت دمشق عملاً هم‌نوا با تهران به کمک دولت بشار اسد رفت (Zaken, 2021).

پیشران دیگر، به روابط چین و فلسطین اشغالی مرتبط است. دیدگاه‌های چین در مورد مسئله فلسطین در تضاد با دیدگاه‌های رژیم صهیونیستی است. چین از اولین کشورهای بود که دولت فلسطین را در سازمان ملل به رسمیت شناخت و حماس را یک سازمان تروریستی ندانست. از سال ۱۹۹۲، چین با سیاست رژیم صهیونیستی در مورد ساخت شهرک‌ها یا محاصره غزه مخالفت کرده است. پکن در ژوئن ۲۰۱۰ از رژیم صهیونیستی خواست تا گام‌های مؤثری برای شکستن محاصره غزه بردارد. سخنگوی وزارت خارجه این کشور، در فوریه ۲۰۱۱، با ابراز «تأسف عمیق» و «مخالفت» با تخریب ۱۱۰۰ خانه جدید توسط رژیم صهیونیستی در قدس شرقی، از رژیم صهیونیستی خواست مذاکرات با فلسطینیان را از سر بگیرد. علاوه بر این، چین به طور مداوم پیشنهادهایی برای رسیدگی به این موضوع ارائه کرده است؛ در می ۲۰۱۳، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور این کشور، یک پیشنهاد چهار ماده‌ای برای حل منازعه فلسطینیان و رژیم صهیونیستی به محمود عباس، رئیس‌جمهور فلسطین ارائه کرد و در سال ۲۰۱۴، چین گونگ شیائوشنگ را به عنوان فرستاده ویژه در امور غرب آسیا منصوب کرد (Samuel and Rajiv, 2017: 421-423).

شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۶ در سخنرانی خود در اتحادیه عرب بر ایجاد یک کشور فلسطینی با پایتختی بیت‌المقدس شرقی تأکید کرد. از نمونه‌های دیگر، سیاست پکن در قبال منازعه فلسطین، واکنش منفی چین به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۷ بود (Vuksanovic, 2020: 10). بنابراین، برای پکن حفظ تعادل بین رژیم صهیونیستی و فلسطین دشوار خواهد بود، زیرا پکن رژیم صهیونیستی را مسیری جذاب برای پروژه کمربند و جاده می‌بیند، اما باید به پشتیبانی از فلسطینی‌ها ادامه دهد تا از نام خود در جهان عرب محافظت کند.

۲-۳. آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

مهم‌ترین عامل در رابطه اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی، نقش آمریکا است که ارتباط مهمی با فهم واشنگتن از چگونگی روابط رژیم صهیونیستی-چین و همچنین واقعیت روابط چین با آمریکا دارد. با این حال تل‌آویو با توجه به موقعیت منطقه‌ای خود و

نقش و قدرت آینده چین نیز به این ارتباط می‌نگرد و مناسبات خود را جدا از منافع اقتصادی آن، بر درک از فرصت یا تهدید حاصل از گسترش روابط چین با کشورهای عرب منطقه و همچنین مناسبات چین با ایران پیش می‌برد. در این میان آمریکا به عنوان متحد اول رژیم صهیونیستی از نوع و میزان رابطه چین و رژیم صهیونیستی راضی نیست. در زمانی که رقابت بین چین و آمریکا در حال افزایش است، قابل پیش‌بینی است که آمریکا برای کاهش رابطه اقتصادی بین چین و رژیم صهیونیستی اقدام خواهد کرد و فشار بیشتری بر رژیم صهیونیستی مبنی بر کاهش همکاری خود با چین وارد خواهد کرد. نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از این که آمریکا به چه میزان در این امر موفق خواهد بود به تصویر کشید.

اندیشکده بنیاد خاورمیانه در پژوهشی اذعان داشته که با افزایش قدرت چین و کاهش قدرت آمریکا، رژیم صهیونیستی این امکان را خواهد داشت که در برابر فشارهای آمریکا مقاومت کند و رابطه خود با چین را افزایش دهد. این تحلیل همچنین کاهش نقش‌آفرینی آمریکا در روند صلح با فلسطین و اهمیت بیشتر بازارهای آسیایی را از عواملی می‌داند که منجر به شکوفایی رابطه تجاری رژیم صهیونیستی و چین خواهد شد. مؤسسه رند نیز در گزارش خود مطرح ساخته که هنگام ارزیابی سرمایه‌گذاری چین لازم است پیوند سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی این کشور نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه دستگاه اطلاعاتی چین با سیاست خارجی، امنیت ملی و فرایندهای اقتصادی ارتباط مستقیم دارد (Middle East Institute, 2012). برخی نیز همچون افرایم هالوی، رئیس سابق سازمان جاسوسی موساد، بر این باورند که رژیم صهیونیستی توانایی تحمل فشارهای سیاسی از طرف آمریکا را نخواهد آورد و مجبور خواهد شد که از رابطه با چین عقب‌نشینی کند، به‌خصوص با توجه به اینکه به‌رغم مناسبات قابل توجه اقتصادی واشنگتن-تل‌آویو شرکت‌های محدودی از طرفین در آن درگیر هستند و برای آمریکا تحریم آن‌ها در صورت لزوم هزینه بالایی نخواهد داشت (Knowledge at Wharton Staff, 2015).

در مجموع می‌توان گفت که چین و رژیم صهیونیستی رابطه تجاری بین خود را بسیار ارزشمند می‌دانند و در صورت عدم مداخله آمریکا، تمایل به گسترش آن در آینده دارند. از

منظر اقتصادی؛ چین آینده بازار غرب آسیا را در دست خواهد داشت و طبق آن هرگونه افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و چین یک بازی برد-برد برای هر دو طرف است. منظر دیگر، نگاه امنیتی به این ارتباط است که نقش آمریکا و تقابل آن با چین را پررنگ می‌سازد و بدین جهت حضور چین در رژیم صهیونیستی را امنیتی و خطرناک برای آمریکا معرفی می‌سازد و محدودیت‌ها و فشارهای مضاعفی را پیش روی رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد و بر این نکته تأکید دارد که هرچقدر ارتباط تجاری و اقتصادی رژیم صهیونیستی و چین بالا و سودآور باشد، در نهایت رژیم صهیونیستی از نظر امنیتی و نظامی بیش از هر کشوری وابسته به آمریکا و حفظ ارتباط با آن است. در نهایت آن که در شرایطی که چین به‌وضوح بخش مهمی از اقتصاد رژیم صهیونیستی را در دست دارد، با این حال، رژیم صهیونیستی شریک تجاری بزرگی از دیدگاه پکن نیست. حتی اگر تجارت چین و رژیم صهیونیستی دو برابر شود، رژیم صهیونیستی را در میان ده شریک تجاری برتر چین قرار نخواهد داد. در واقع روابط تجاری بخشی از سیاست خارجی چین به عنوان اهرمی برای دستیابی به اهداف سیاسی است.

۴. چشم‌اندازی بر آینده روابط سیاسی و اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی

بر اساس بررسی‌های انجام شده، سه پیشران آینده رابطه آمریکا و چین، آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا و آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی را می‌توان در راستای تحلیل آینده رابطه رژیم صهیونیستی و چین مبنای تحلیل قرار داد. محتمل است که هر یک از این پیشران‌ها، عدم قطعیت‌های متفاوتی را به‌همراه خواهد داشت که آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

جدول ۲. مهم‌ترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی

شماره	پیشران	عدم قطعیت	نوع
۱	آینده رابطه ایالات متحده آمریکا و چین	افزایش تنش در رابطه چین و آمریکا کاهش تنش در رابطه چین و آمریکا	سیاسی
۲	آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا	افزایش روابط چین با ایران و فلسطین کاهش روابط چین با ایران و فلسطین	سیاسی
۳	آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی	۱- افزایش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی ۲- کاهش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی	اقتصادی

۴-۱. آینده رابطه ایالات متحده آمریکا و چین (افزایش تنش در رابطه چین و آمریکا- کاهش تنش در رابطه چین و آمریکا)

مهم‌ترین پیشران به روابط ایالات متحده و چین مربوط می‌شود. روابط چین و رژیم صهیونیستی از همان ابتدا تحت تأثیر ایالات متحده بوده است. کاهش تنش در مناسبات چین و ایالات متحده، قطعاً تأثیرات مثبتی بر گسترش روابط چین و رژیم صهیونیستی خواهد داشت. از یک سو، محدودیت‌های تحمیل شده توسط ایالات متحده برای انتقال فناوری‌های پیشرفته رژیم صهیونیستی به چین ممکن است برداشته شود. از طرفی، بر اساس تجربیات گذشته، وخامت روابط چین و آمریکا، و البته رویارویی (مثلاً بر سر تنگه تایوان) نیز می‌تواند به روابط چین و رژیم صهیونیستی نه تنها در زمینه مبادلات نظامی بلکه در زمینه‌های دیگر چون علم و فناوری، ارتباطات، دیپلماسی نیز آسیب برساند. پکن هرگز نخواهد توانست جایگزین ایالات متحده به عنوان حامی نظامی یا سیاسی رژیم صهیونیستی شود. به همین ترتیب، رژیم صهیونیستی که جهت‌گیری‌اش همیشه به سمت غرب بوده و هنوز به انگیزه‌های چین مشکوک است، پکن را جایگزین سیاسی و نظامی ایالات متحده نمی‌داند. بعید است که رژیم صهیونیستی، روابط خود با ایالات متحده را برای گسترش روابط با چین به خطر بیندازد. اگر رژیم صهیونیستی مجبور به انتخاب بین این دو شود، به

وضوح آمریکا را انتخاب خواهد کرد. انتظار می‌رود تا زمانی که روابط چین و آمریکا پایدار بماند، روابط چین و رژیم صهیونیستی گسترش یابد. با این حال، وخامت روابط چین و آمریکا، می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز به همراه داشته باشد. گرچه رژیم صهیونیستی در راستای منافع خود، همیشه از ایالات متحده در امور بین‌الملل پیروی نخواهد کرد و ممکن است سیاست خارجی متفاوت‌تر و مستقل‌تری در قبال چین ایجاد کند. البته لازم به ذکر است، چین، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی منافع مشترکی در حفظ ثبات در غرب آسیا، تضمین جریان آزاد انرژی از منطقه و مهار تروریسم دارند. بنابراین ظرفیت همکاری‌های سه‌جانبه در حوزه‌های بالا را نباید دست کم گرفت.

۴-۲. آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا (افزایش روابط چین با ایران و فلسطین - کاهش روابط چین با ایران و فلسطین)

متغیر دوم مربوط به آینده وضعیت در غرب آسیا است. روابط چین با رژیم صهیونیستی برای اعراب، فلسطینی‌ها، ایرانی‌ها و دیگران پیامدهایی به همراه دارد که چین ملزم است برای حفظ روابط اقتصادی، امنیتی و سیاسی با این کشورها آن را در نظر بگیرند. منافع چین در منطقه اساساً ناشی از وابستگی به انرژی است که مستلزم روابط خوب با عربستان و ایران است. در نتیجه، مواضع و اهداف سیاسی و راهبردی چین در این منطقه اغلب با منافع رژیم صهیونیستی مطابقت ندارد. یکی از عوامل کلیدی در این خصوص درگیری فلسطین و رژیم صهیونیستی است که در این بین چین به طور مداوم از مواضع فلسطینیان حمایت می‌کند. اگرچه نقش چین در درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین حاشیه‌ای است، اما تردیدی وجود ندارد که این متغیر بر روابط چین و رژیم صهیونیستی تأثیر منفی دارد. ادامه درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی بر کاهش سطح روابط تأثیرگذار است و نه تنها نقش چین در غرب آسیا، بلکه روابط رژیم صهیونیستی با چین را نیز محدود می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد حمایت چین از فلسطینی‌ها و لفاظی‌های ضدصهیونیستی آن ابزاری در سیاست خارجی تلقی می‌شود که تا حد زیادی جدا از ادامه روابط دوجانبه گرم با رژیم صهیونیستی است و با هدف کسب امتیازات دیپلماتیک صورت

می‌گیرد. همچنین قصد چین برای تبدیل رژیم صهیونیستی به گره ابتکار کمربند و جاده نیز با وجود شرایط امنیتی حساس در غرب آسیا احتمالاً با شکست مواجه خواهد شد.

۳-۴. آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی (افزایش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی - کاهش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی)

جذابیت چین برای رژیم صهیونیستی در درجه اول به دلیل رشد اقتصادی خارق‌العاده، باز بودن بازار برای تجارت و سرمایه‌گذاری و ادغام آن در اقتصاد جهانی است. کارشناسان در مورد آینده رشد اقتصادی چین تردیدهایی ابراز می‌کنند. آن‌ها به مشکلات اقتصادی چین و تأثیر بحران‌های اقتصادی جهانی اشاره می‌کنند که ممکن است منجر به کاهش رشد اقتصادی این کشور شوند. با این حال، محتمل است که چین، ظرفیت غلبه بر چنین مشکلاتی را دارد. اگر چین به رشد خود ادامه دهد به یک بازار بالقوه بسیار مهم برای رژیم صهیونیستی تبدیل خواهد شد. برخلاف کشورهای اروپایی، پکن به سختی حاضر است کالاهای رژیم صهیونیستی (به‌ویژه کالاهای ساخت شهرک‌های غیرقانونی از نظر سازمان ملل) را تحریم کند و تجارت یا سرمایه‌گذاری را به هر دلیلی متوقف نمی‌کند. از این نظر، آینده اقتصادی رژیم صهیونیستی بدون شک در پیوند اقتصادی با چین است. شبکه گسترده روابط تجاری که اکنون وجود دارد، مزایای اقتصادی و فناوری قابل توجهی را برای هر دو طرف فراهم می‌کند. بعید است که رژیم صهیونیستی یا چین بتوانند از این مزایا چشم‌پوشی کنند. بنابراین در صورت ادامه رشد اقتصادی چین فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای طرفین ایجاد خواهد شد و رشد و توسعه روابط دوجانبه را شاهد خواهیم بود. برعکس با کاهش رشد اقتصادی چین شاهد ابهام در تداوم روابط پکن - تل آویو خواهیم بود.

در پایان باید به موانعی اشاره کرد که آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بی‌اعتمادی عمیق به چین در رسانه‌های غرب از موانع اصلی افزایش همکاری رژیم صهیونیستی و چین است. برای مثال رسانه‌های گروهی رژیم صهیونیستی به شدت از مبارزه چین با همه‌گیری کرونا انتقاد می‌کردند. حزب حاکم چین به عنوان مقصر

شیوع کرونا، غیرقابل اعتماد، بی‌توجه به رنج مردم، به دنبال موفقیت تبلیغاتی بدون نگرانی برای وضعیت واقعی، معرفی شد. حتی زمانی که وضعیت در چین بهبود یافت، لحن گزارش‌ها به شدت منفی بود.

از طرفی در حالی که تصویر رژیم صهیونیستی در چین تا حد زیادی مثبت است، و در حالی که منافع رژیم صهیونیستی در چین توسط گروه‌های یهودی مانند «سیگنال» یا گروه‌های مسیحی بومی ترویج می‌شود، هیچ‌گونه انتشار متقابل دیدگاه‌های مثبت درباره چین در رژیم صهیونیستی وجود ندارد. اگرچه رسانه‌های رسمی چین به زبان انگلیسی مانند شبکه جهانی تلویزیون چین، تلاش می‌کنند تصویر چین را در خارج از کشور بهبود بخشند، اما در عمل سطح پایین اعتبار این رسانه‌ها و سطح بسیار پایین مخاطبان آن‌ها را بی‌اثر می‌کند. آنچه اهمیت دارد این است که تا زمانی که دیدگاه منفی به‌طور گسترده بر رسانه‌های جمعی تسلط دارد، نمی‌توان انتظار توسعه دیدگاه‌های دوستانه نسبت به چین را در میان افکار عمومی یا سیاستگذاران رژیم صهیونیستی داشت. مشکل دیگر در مورد تصویر چین در رژیم صهیونیستی عدم پوشش عمیق چین در رسانه‌های رژیم صهیونیستی است. هیچ‌یک از رسانه‌های رژیم صهیونیستی متخصص و کارشناسی در امور چین ندارند. اکثر گزارش‌های رژیم صهیونیستی درباره چین بر اساس ترجمه‌های رسانه‌های ایالات متحده یا انگلیس است و بسیاری از تفاوت‌های ظریف در ترجمه گم شده است. فقدان تخصص به‌ویژه آنجا که به تحولات بلندمدت چین مربوط می‌شود، قابل توجه است. این عدم درک پیچیدگی چین عامل منفی دیگری است که افکار عمومی رژیم صهیونیستی و سیاستگذاران آن را شکل می‌دهد (Vuksanovic, 2020: 10).

از طرفی دیگر رهبران چین در سطح رسمی دیدگاه‌های مثبتی در مورد رژیم صهیونیستی بیان می‌کنند. با این حال، در عمل نمایندگان دیپلماتیک چین در انتقاد از اقدامات رژیم صهیونیستی تردیدی ندارند. رسانه‌های رسمی چین در مواقعی از زبان انتقادی در برابر رژیم صهیونیستی استفاده می‌کنند و دانشگاهیان همیشه این کار را انجام می‌دهند. عموم مردم چین نیز به‌طور مداوم نظرات بسیار منفی را در مورد رژیم

صهیونیستی ابراز می‌کنند. اما علی‌رغم پوشش منفی رسانه‌ها از چین، رژیم صهیونیستی فاقد یک لابی قوی ضدچینی در تشکیلات سیاسی خود است. این به منزله یک موضع ثابت ضد چین نیست. چین در عمل هنوز به مهره‌ای در سیاست حزبی رژیم صهیونیستی تبدیل نشده است. به‌علاوه، علی‌رغم گزارش‌های منفی رسانه‌ها، عموم مردم رژیم صهیونیستی (۶۰ درصد بر اساس نظرسنجی پیو در سال ۲۰۱۹) رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری پکن در اقتصاد رژیم صهیونیستی را امر مطلوبی می‌دانند. این شکاف بین گفتمان رسمی و احساسات واقعی، نشان می‌دهد که چین رویکردی عمل‌گرایانه را برای روابط خود با رژیم صهیونیستی اتخاذ کرده است که ریشه در توسعه اقتصادی با تمرکز بر نوآوری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با فناوری بالا دارد. نظرسنجی پیو همچنین نشان می‌دهد اگرچه درصد آن بخش از جامعه چین که رویکردی منفی در قبال رژیم صهیونیستی دارند تغییر چندانی به خود ندیده است اما رژیم صهیونیستی در عمل موفق شده تا در طول یک دهه گذشته قشر خاکستری جامعه چینی را به اتخاذ رویکرد مثبت و همدلانه در قبال خود سوق دهد (Roie, 2021).

جدول ۳. نگرش افکار عمومی چین در ارتباط با نفوذ رژیم صهیونیستی، ۲۰۰۶-۲۰۱۷ (Efron, 2019, 76-77)

Year	Mainly Positive (%)	Mainly Negative (%)
2006	15	57
2007	23	49
2010	22	40
2011	32	48
2012	23	45
2013	32	33
2014	13	49
2017	34	57

رژیم صهیونیستی در حوزه دیپلماتیک نیز با چالش‌هایی در برابر چین مواجه است. در ژوئن سال گذشته پس از فشار ایالات متحده، رژیم صهیونیستی به حدود ۴۰ کشور

دیگر پیوست و از چین خواست تا به ناظران مستقل اجازه دسترسی به منطقه غربی سین کیانگ را بدهد، جایی که پکن متهم به سرکوب اقلیت مسلمان اویغور است. پس از اینکه رژیم صهیونیستی تصمیم خود را برای حمایت از این بیانیه به چین اطلاع داد، پکن بیانیه اعتراضی دیپلماتیک صادر کرد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی از امضای بیانیه ۲۴ اکتبر سازمان ملل که در آن نسبت به رفتار پکن با اقلیت مسلمان اویغور ابراز نگرانی می‌کرد، خودداری کرد. در ماه ژوئن ۲۰۲۱، رژیم صهیونیستی در میان ۴۱ کشور شورای حقوق بشر بود که از چین درخواست کرد تا ناظران مستقل بتوانند از منطقه سین کیانگ بازدید کنند. تصمیم برای حمایت از این اقدام پس از فشارهای جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا اتخاذ شد (Vuksanovic, 2020: 15).

نتیجه‌گیری

افزایش قدرت چین در سال‌های اخیر باعث شده تا بسیاری از کشورها درصدد بهبود و تقویت رابطه خود با آن برآیند. چین به عنوان یک قدرت جهانی، عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، تل‌آویو را بر آن داشته تا روابط نزدیک‌تری را با آن برقرار سازد. برای رژیم صهیونیستی، چین مهم‌ترین بازار برای استارت‌آپ‌ها، تجهیزات نظامی و سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها قلمداد می‌شود. چین نیز رژیم صهیونیستی را یک شریک مفید در دستیابی به چهار هدف می‌بیند: نخست اینکه، چینی‌ها رژیم صهیونیستی را نظامی می‌بینند که می‌تواند به آنها را در نوآوری و مدرن‌سازی اقتصادی و نظامی یاری رساند. دوم، چین به تجربه و فناوری رژیم صهیونیستی در دفاع و امنیت سایبری به عنوان ابزاری برای ارتقای خود در قابلیت‌های نظامی نگاه می‌کند. سوم، چین رژیم صهیونیستی را به عنوان یک بازیگر مهم در سیاست چین در غرب آسیا می‌بیند و به دنبال متعادل کردن روابط نزدیک تاریخی خود با سایر کشورهای منطقه با هدف افزایش روابط با رژیم صهیونیستی است. در نهایت، چین رژیم صهیونیستی را به عنوان تکه‌ای مهم از پازل طرح کمر بند و جاده می‌بیند. در حال حاضر روابط رژیم صهیونیستی و چین در عرصه‌های سیاسی و دفاعی دوستانه

است، اما گرم نیست و هر یک از طرفین، شرکای ترجیحی دیگری دارند. روابط اقتصادی بسیار قوی‌تر است، در حالی که روابط آموزشی و فرهنگی پیشرفت قابل توجهی داشته است. همچنین پتانسیل زیادی برای رشد در حوزه گردشگری وجود دارد. عوامل متعددی بر آینده روابط چین و رژیم صهیونیستی تأثیرگذار است. نتایج حاصل از پژوهش مؤید آن است که سه پیشران «آینده رابطه آمریکا و چین»، «آینده روابط چین با کشورهای غرب آسیا» و «آینده روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی»، را می‌توان مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار دانست که در راستای توصیف آینده رابطه رژیم صهیونیستی و چین مبنای تجزیه و تحلیل قرار داد. محتمل است که با تغییر هر یک از این پیشران‌ها روابط چین و رژیم صهیونیستی به‌طور چشمگیری تغییر می‌یابد. بر این اساس کلان روندهایی چون افزایش روابط چین و آمریکا، کاهش روابط چین با جمهوری اسلامی ایران و فلسطین اشغالی، و افزایش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی زمینه‌ساز افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی هستند. در جهت مخالف کلان روندهایی چون تنش در روابط چین و آمریکا، افزایش روابط چین با جمهوری اسلامی ایران و فلسطین اشغالی، و کاهش روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی زمینه‌ساز افزایش روابط چین و رژیم صهیونیستی هستند. به‌طور کلی می‌توان گفت تداوم یا چالش در روابط چین و رژیم صهیونیستی بیشتر تحت تأثیر پیشران‌های رابطه چین با ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. منابع نفتی جمهوری اسلامی ایران در توسعه زیرساخت‌های صنعتی و فعالیت‌های تولیدی چین امری ضروری و حیاتی است. بنابراین تلاش ایران برای کسب سهم بیشتری از صادرات نفت به چین و تضمین جریان با ثبات انرژی از ایران به چین می‌تواند انگیزه‌های چین در راستای رابطه با رژیم صهیونیستی را کاهش دهد. از طرفی چین و ایران با سابقه تمدنی طولانی، دارای روابط و پیوندهای عمیق تاریخی، سیاسی و اقتصادی هستند که جاده ابریشم از مهم‌ترین نمادهای آن محسوب می‌شود. این در حالی است که شکل‌گیری رژیم صهیونیستی نتیجه اشغال سرزمین فلسطین است. بنابراین تأکید بر آرمان فلسطین و حمایت از حماس و مردم غزه در سطح روابط دیپلماتیک می‌تواند انگیزه‌های چین برای گسترش روابط با رژیم صهیونیستی را کاهش دهد.

در پایان می‌توان گفت گرچه در سال‌های گذشته مشارکت چین و رژیم صهیونیستی افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است، با توجه به محدودیت‌های موجود در سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی، باید درباره توسعه روابط چین و رژیم صهیونیستی واقع‌بین باشیم. عوامل محدودکننده قابل توجهی، شراکت رژیم صهیونیستی و چین را تهدید می‌کنند. چین انگیزه‌های اقتصادی و روابط دیپلماتیک بسیار بیشتری با جهان عرب دارد و رژیم صهیونیستی در مدار راهبردی آمریکا محصور شده است. مناسبات سیاسی بین رژیم صهیونیستی و چین امروز به اندازه کافی قوی نیست. برخلاف کشورهایی که در آن جوامع یهودی، مؤسسات، انجمن‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای که طرفدار رژیم صهیونیستی هستند، وجود دارد، در چین وضعیت بدین شکل نیست. دین یهود یک دین قانونی در چین نیست و جامعه یهودی کوچک و ناشناخته است. رژیم صهیونیستی به ندرت مانند کشورهای عربی به دانشجویان چینی بورسیه می‌دهد. بنابراین، رژیم صهیونیستی هیچ نفوذی بر نسل‌های آینده چینی نخواهد داشت. از طرفی در حال حاضر هیچ سیاست مشخصی از سوی رژیم صهیونیستی در قبال چین وجود ندارد و در چند سال گذشته عمدتاً مطابق میل آمریکایی‌ها عمل کرده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود و دیگران (۱۳۹۷). روندپژوهی فرآیند توسعه سیاسی در ایران معاصر، مجلس و راهبرد، ۹۵، ص ۲۴۶-۲۰۹.
- البرزی دعوتی، هادی؛ نصراللهی، اکبر (۱۳۹۷). تحلیل روندها و پیشران‌های مؤثر بر خبر صدا و سیما در ۵ سال آینده، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۵(۲)، ص ۱۲۷-۱۰۳.
- قادری حاجت، مصطفی و دیگران (۱۳۹۹). تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم، آمایش سیاسی فضا، ۳(۱)، ص ۴۱-۳۱.
- نظری، علی اشرف و دیگران (۱۳۹۴). ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۳۹)، ص ۹-۴۲.

ب. منابع انگلیسی

- Aghavni, Harutyunyan (2020). China and Israel: Evolving Relationship within the Belt and Road Initiative, Asian Journal OF Middle Eastern and Islamic Studies.
- Chen, Yiyi (2012). China's Relationship with Israel, Opportunities and Challenges, Perspectives from China, Israel Studies, Vol. 17, No. 3.
- Dozens of countries but not Israel, urge China to respect Uighurs right (2021). the Times of Israel.
- Egozi, Arie (2021). US presses Israel on Haifa port amid chinan espionage concerns: sources, Breakingdefense.
- Efron, Shira and others (2021). the evolving Israel- China relationship, RAND.
- Evron, Yoram (2017). The economic dimension of China-Israel relations: political implications, roles and limitations, Israel affaIrs, Vol. 23, No. 5.
- Harkov, Lahav (2021). Israeli minister warns as US presses on China ties: we are in a 5G cold war, the Jerusalem Post.
- Israel refrains from signing UN statement on china treatment of Uighurs, (2021). i24 News.
- S. Samuel and C. Rajiv, Israel-China Ties at 25: The Limited Partnership, (2017). Strategic Analysis, Vol. 41, No. 4.
- Tuvia, Gering, the Indo- Pacific is Calling Israel, 27 september 2021.
- Vuk, Vuksanivic (2021). Axis of Convenience? Israel and China in a multipolar world, LSE IDEAS STRATEGIC UPDATE.
- Wang Yu (2020). Israel-China relations in the Trump era, Journal of Modern Jewish Studies.

- Yellinek, Roie (2021). how Chinan learned to harness Isreal media and booming tech scene, Carnegie.
- Zaken Danny (2021). Us Pressures Israel on trade with China, AI- monitor.
- Zhiquan, ZHU (2019). China–Israel Relations: Past, Present and Prospect, East Asian Policy.

ج. وبسایت‌های اینترنتی

- Interesse, Giulia, China-Israel Bilateral Trade and Investment Outlook, china-briefing, 2022, Available At: <https://www.china-briefing.com/news/china-israel-investments-trade-outlook-belt-and-road-initiative/>, Accessed 1 february 2022.
- Knowledge at Wharton Staff, Why Tech Transfer Is Key to Stronger China-Israel Ties, August 13, 2015, Available from: <https://knowledge.wharton.upenn.edu/article/why-tech-transfer-is-key-to-stronger-china-israel-ties/>, Accessed 21 September 2022.
- Middle East Institute, Israel-China Arms Trade: Unfreezing Times, July 16, 2012, Anailable At: <https://www.mei.edu/publications/israel-china-arms-trade-unfreezing-times>, Accessed July 2022.
- Wen, June and others, Relationships between Chinese cultural values and tourist motivations: A study of Chinese tourists visiting Israel, 2019, Available at <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S2212571X19300186>, Accessed 22 January 2021.
- Council on Foreign Relations, What’s Behind Israel’s Growing Ties With China?, June 21, 2018, Available At: <https://www.cfr.org/expert-brief/whats-behind-israels-growing-ties-china>, Accessed 1 March 2023.